

## مرگ درمانی از دیدگاه ویکتورفرانکل و سنجش آن با آموزه‌های اسلام

معصومه نوازی<sup>۱</sup>، محمدعلی حیدری مزرعه آخوند<sup>۲</sup>، بمانعلی دهقان منگابادی<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از راه‌های غلبه بر هراس از مرگ، مرگ‌درمانی است، فرانکل در روش معنا درمانی خود از مرگ به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های معنا درمانی یاد می‌کند. مرگ‌درمانی به معنای پذیرش فلسفه برای مرگ و تلاش در جهت استفاده مناسب از فرصت‌ها و شرایط زندگی است. این روش بسیار الهام‌بخش بوده و باعث شده نگرش انسان‌ها به مرگ تغییر و اضطراب آن‌ها از این پدیده کاهش یابد. این پژوهش با هدف تطبیق مؤلفه‌های مرگ‌درمانی فرانکل با آموزه‌های اسلام سامان یافته است.

**روش‌شناسی:** پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی است. آیات قرآن کریم، روایات اهل بیت (ع)، منابع تفسیری و کتب ویکتور فرانکل منابع مورداستفاده این پژوهش هستند.

**یافته‌ها:** با بررسی مرگ‌درمانی از دیدگاه فرانکل و تطبیق آن با آموزه‌های اسلام این یافته‌ها حاصل شد که فرانکل در این مفهوم، مؤلفه‌هایی چون مرگ و معناداری، مرگ و مسئولیت‌پذیری، مرگ و بیداری و مرگ و ایثار را مطرح کرده است.

**نتیجه‌گیری:** بین مؤلفه‌های مرگ‌درمانی فرانکل با آموزه‌های اسلام همسویی دیده می‌شود با این تفاوت که آموزه‌های اسلام در مؤلفه مرگ و معناداری به مهیاشدن انسان برای سفر آخرت بسیار تأکید کرده‌اند اما در نظرات فرانکل به آن اشاره‌ای نشده است. در مؤلفه مرگ و مسئولیت‌پذیری نیز آموزه‌های اسلام به تصحیح اعمال و توبه اشاره کرده اما بنا بر نظرات فرانکل امکان تصحیح اعمال وجود ندارد و در مؤلفه مرگ و بیداری فرانکل از انسان‌های غافل یاد می‌کند که از مرگ وحشت دارند اما آموزه‌های اسلام در مقابل این انسان‌ها از افراد مؤمن نیز یاد می‌کند که مرگ را لذت‌بخش می‌دانند.

**واژگان کلیدی:** روایات اهل بیت (ع)، قرآن کریم، مرگ‌درمانی، معنا درمانی، ویکتور فرانکل.

۱. \* نویسنده مسئول دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران [mnnavazi@stu.yazd.ac.ir](mailto:mnnavazi@stu.yazd.ac.ir)

۲. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. [heydari@yazd.ac.ir](mailto:heydari@yazd.ac.ir)

۳. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. [badehghan@yazd.ac.ir](mailto:badehghan@yazd.ac.ir)

### مقدمه

امروزه مشاوران و روان‌شناسان برای مقابله با بیماری‌های روحی و روانی راهکارهایی چون معنویت‌درمانی، واقعیت‌درمانی، روان‌درمانی، امید‌درمانی، قصه‌درمانی، خلاقیت‌درمانی و شفقت‌درمانی را ارائه داده‌اند. با این روش‌ها به افراد کمک می‌کنند تا با مشکلات روحی و روانی خود بهتر کنار بیایند و زندگی باکیفیت‌تری تجربه کنند. این انواع درمان در رفع مشکلات بشر همچون افسردگی، اضطراب، تجربیات ناخوشایند، فوبیا، اختلال خواب و... نقش کلیدی دارند که متناسب با شرایط خاص بیمار به کار گرفته می‌شوند. ویکتور فرانکل روان‌پزشک و پدیدآورنده مکتب معنادرمانی با روش معنادرمانی به درمان بیماران خود می‌پرداخت. در معنادرمانی بیمار در جهتی راهنمایی می‌شود و با وضعی روبه‌رو می‌گردد که معنی زندگی و فلسفه حیات خویش را بیاید. وی در این روش به مؤلفه‌هایی چون مرگ‌درمانی، رنج‌درمانی، عشق‌درمانی، کار‌درمانی، دین‌درمانی و اختیار‌درمانی اشاره کرده است. بنا بر مرگ‌درمانی، زندگی انسان با مرگ نه‌تنها بی‌معنا نمی‌شود، بلکه عامل اصلی معناداری آن به حساب می‌آید. از این رو انسان باید معنادار و هدفمند زندگی کند و از فرصت‌های عمر بهترین استفاده را داشته باشد. مؤلفه‌های فرانکل در مفهوم مرگ‌درمانی؛ مرگ و معناداری، مرگ و مسئولیت‌پذیری، مرگ و بیداری و مرگ و ایثار است. در قرآن کریم نیز مرگ با تعابیری چون موت، قتل، وفی، هلك، اجل و... مورد توجه قرار گرفته است. خداوند درباره گریزناپذیری از مرگ می‌فرماید «كُلِّ نَفْسٌ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت: ۵۷)؛ و درباره گرفتن جان انسان‌ها توسط ملک‌الموت به این آیه اشاره می‌کند «يَتَوَفَّاكُم مِّلْكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ» (سجده: ۱۱). در آموزه‌های روایی نیز روایاتی درباره مرگ‌اندیشی و مهیا شدن انسان برای سفر آخرت وجود دارد. پیامبر (ص) در روایتی می‌فرماید: «در اندیشه مرگ باشید و بدانید از مرگ گریزی

نیست. مرگ آنچه از خوبی‌ها و بدی‌ها دارد با خود می‌آورد، هرکس برای جهان پس از مرگ بکوشد، خوشی و آسایش را برای او می‌آورد و آن‌که برای این دنیا کار و تلاش کند، مرگ برای او بدبختی و پشیمانی می‌آورد» (۱). امام علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «پیش از مرگ و سختی‌های آن کاری نکنید و قبل از رسیدنش مقدمات آن را فراهم آورید و پیش از فرود آمدنش برای آن آماده شوید» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۹۰). در این پژوهش تلاش می‌شود تا مؤلفه‌های مرگ‌درمانی فرانکل با آموزه‌های قرآن و اسلام مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد. از این رو سؤال اصلی پژوهش بر این مبنا استوار است که تا چه میزان مرگ‌درمانی، یاد مرگ و مؤلفه‌های آن می‌تواند به زندگی دنیوی معنا دهد و در کاهش اضطراب ناشی از ترس نسبت به مرگ مؤثر واقع شود؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی است. تلاش شده تا ابتدا مؤلفه‌های مرگ‌درمانی فرانکل استخراج شود، سپس با آموزه‌های قرآن مورد بررسی و سنجش قرار گیرد. آیات قرآن کریم، روایات اهل بیت (ع)، منابع تفسیری و کتب ویکتور فرانکل منابع مورد استفاده این پژوهش هستند.

### ویکتورفرانکل و معنادرمانی

ویکتور امیل فرانکل روان‌پزشک، فیلسوف و استاد عصب‌شناسی دانشکده پزشکی دانشگاه وین ۲۶ مارس ۱۹۰۵ در وین دیده به جهان گشود. وی استاد ممتاز و بنیان‌گذار سومین مکتب روان‌درمانی یعنی معنادرمانی است (۲). معنادرمانی یا لوگوتراپی به واژه یونانی «لوگوس» که معادل «معنا» است، برمی‌گردد. بنا به گفته ویکتور فرانکل معنادرمانی عبارت است از «درمان از رهگذر معنا، شفاف‌بخشی از رهگذر معنا یا روان‌درمانی متمرکز بر معنا» (۳). این نوع درمان فرض می‌کند که زندگی معنایی بی‌قیدوشرط دارد و معنا را هرکس، در هرکجا و در هرزمانی می‌تواند بیابد و کشف کند چراکه زندگی

عبث و بیهوده نیست (۳). بنا بر اصول معنادرمانی، تلاش برای یافتن معنی در زندگی اساسی‌ترین نیروی محرکه هر فرد در دوران زندگی اوست (۴). بنا بر عقیده فرانکل زندگی تحت هر شرایطی واجد معناست، وی از این رهگذر با معنادهی به زندگی از مفاهیمی چون اختیار، رنج، مرگ، امید، عشق و ... راه‌های درمان بیماری‌های روحی و روانی را استنباط و استخراج کرده است و برای هریک قواعدی وضع نموده و هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها را عبث و باطل نمی‌انگارد. از نظر او مرگ جزئی از زندگی بشر است. این برداشت همان مفهومی است که از آیات قرآن کریم استنباط می‌شود آیاتی نظیر: «قُلْ إِنَّ الْمَوْتِ الَّذِي تَفْرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مِلاَقِيكُمْ» (جمعه: ۸). افراد در اجتماع نیاز دارند برای زندگی خود معنایی پیدا کنند، اگر نتوانند این معنا را پیدا کنند دچار خلأ وجودی می‌شوند، خلأیی که منشأ اغلب ملالت‌ها و بی‌حوصلگی‌هاست (۳). از این رو معنادرمانی به انسان کمک می‌کند تا معنای درد و رنج‌هایش را بیابد و شرایط سخت را به آرامش و راحتی تبدیل کند (۳). در این میان وی به معناداری مرگ پرداخته و آن را نابودکننده انسان نمی‌داند. در حقیقت وی می‌خواهد از طریق بها دادن به روش مرگ‌درمانی، روان‌پریشی و اضطراب را درمان بخشد، در ادامه به تفصیل به بیان مرگ‌درمانی و مؤلفه‌های مربوط به آن از دیدگاه فرانکل پرداخته می‌شود:

### مرگ‌درمانی از دیدگاه ویکتور فرانکل

ویکتور فرانکل مرگ را به معنای نابودی و فناپذیری نمی‌داند بلکه آن را عامل اصلی معناداری زندگی تلقی می‌کند. او برای این مفهوم مؤلفه‌هایی چون مرگ و معناداری، مرگ و مسئولیت‌پذیری، مرگ و بیداری و مرگ و ایثار را در نظر گرفته که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود:

### مرگ و معناداری

بنا بر عقیده فرانکل برخی از مردم گمان می‌کنند که مرگ در مجموع معنا را از زندگی دور می‌کند، به این معنا که در پایان،

تمام کوشش‌های انسان بی‌معنا می‌شود، چون مرگ درنهایت آن‌ها را ضایع می‌کند. خوب، آیا مرگ واقعاً از بامعنایی زندگی می‌کاهد؟ برعکس اگر برای این کوشش‌ها محدودیت زمانی وجود نداشت و زمان زندگی بی‌نهایت بود، زندگی انسان به چه صورتی درمی‌آمد؟ اگر او فناناپذیر بود، می‌توانست هر فعالیتی را به‌طور رسمی تا ابد به تعویق بیندازد، فرقی نداشت کار می‌کرد یا نمی‌کرد؛ تعلل پیامدهایی نداشت و به‌این‌ترتیب می‌توانست هر فعالیتی را به فردا یا روز بعد یا یک سال بعد و حتی ده سال بعد موکول کند؛ اما در برابر مرگ که پایانی مطلق برای آینده‌ی انسان و مرزی برای امکانات او به شمار می‌رود، موظف است که از زندگی حداکثر بهره را بگیرد و نگذارد حتی یک فرصت هم از دستش برود؛ زیرا که مجموع این فرصت‌ها سازنده‌ی کل زندگی هستند (۵)؛ بنابراین، فرجام‌پذیری و گذرا بودن نه‌تنها از ویژگی‌های اصلی زندگی انسان است، بلکه عامل واقعی بامعنا بودن آن نیز به شمار می‌رود. معنای هستی انسان بر پایه ماهیت برگشت‌ناپذیری آن استوار است. از این رو مسئولیت شخص در زندگی را باید بر اساس گذرا بودن آن درک کرد (۵).

فرانکل بر این باور است که لوگوتراپی (معنادرمانی) و به‌تبع آن مرگ‌درمانی نیز به‌نوبه خود هستی و وجود آدمی را گذرا می‌داند؛ اما با دیدگاهی بدبینانه و انزواطلبانه به این قضیه نمی‌نگرد. بلکه انسان را به سمت تلاش و پویایی سوق می‌دهد. بدبین کسی است که هرروز به تقویم خود می‌نگرد و گذر ایام را می‌شمرد یا هرروز برگی از تقویمش جدا کرده و کاهش تدریجی آن را به تماشا می‌نشیند؛ اما کسی که زندگی فعال و پویایی دارد برگ‌های جداشده تقویم را دور نمی‌ریزد بلکه پشت هر یک یادداشت‌های مهمی می‌نویسد و هر برگی را بر روی برگ‌های گذشته می‌گذارد. کسی که زندگی پویایی دارد به حوادث درون تقویم هجوم می‌برد و اجازه نمی‌دهد مغلوب آن‌ها شود. تقویم زندگی این فرد کم‌کم از «ناشده‌ها و ناکرده‌ها» به «شده‌ها و

کرده‌ها» تبدیل می‌شود و آنگاه او با غرور و شادی به فنای این برگ‌ها و یادداشت‌های خود می‌پردازد (۴). ویکتور فرانکل در تکمیل نظریه معنا‌داری مرگ بر این باور است که انتقال و گذرایی زندگی نه تنها از معنای آن کم نمی‌کند بلکه احساس مسئولیت و رسالتی تازه را بیدار می‌سازد.

آنچه اهمیت دارد دیدگاه انسان در برابر گذرایی امکانات است و این که چگونه انتخابی خواهد داشت. انسان همواره در میان موج عظیمی از امکانات و توانایی‌ها در حال گزینش و انتخاب است که کدام یک باید به فراموشی سپرده شده و محو و نابود گردد و کدام یک باید به فعلیت و شکوفایی برسد (۴).

### مرگ و مسئولیت‌پذیری

بنا بر عقیده فرانکل انسان هنگام مرگ نمی‌تواند هیچ‌یک از اموال خود را به آن جهان ببرد. آنچه در طول زندگی ایجاد کرده و در تملک داشته به همراه لحظاتی که زندگی کرده، همچنان در این جهان و خارج از تابوت او باقی می‌ماند. علت امر این است که همه آن‌ها به آرامی به سمت گذشته لغزیده و در آنجا باقی مانده‌اند. حتی مواردی که انسان فراموش کرده و از ضمیر خود آگاه او فرار کرده است، در این جهان باقی مانده و هرگز از صفحه روزگار پاک نمی‌شود چون بخشی از گذشته بوده و تا ابد بخشی از این جهان خواهد ماند (۶).

فرانکل بر این باور است که همه چیز ابدی هم هست و مهم‌تر آن که همه چیز خود به خود ابدی می‌شود یعنی نیازی نیست انسان برای این منظور اقدامی انجام دهد. هر زمان که کاری را انجام می‌دهد، ابدیت از آن حفاظت خواهد کرد اما لازم است که مسئولیت کارهایی که انجام می‌دهد را بر عهده بگیرد؛ آنچه انتخاب کرده و انجام داده به بخشی از گذشته تبدیل می‌شود تا وارد ابدیت شود (۶). همه موارد بدون کم‌وکاست در پوشه ابدیت نوشته می‌شود. زندگی انسان به‌طور کامل هر آنچه خلق کرده و هر آنچه انجام داده، رویارویی‌ها و تجربیات، همه خوشی‌ها، رنج‌ها و ... همه موارد را در گنجینه پرونده‌های ابدی

ثبت و نگهداری می‌کنند (۶).

بنا بر عقیده فرانکل پوشه‌ها و پرونده‌های ابدی هرگز مفقود نمی‌شوند؛ اما امکان تصحیح آن‌ها نیز وجود ندارد. از این رو انسان باید هوشیار باشد تا اشتباه نکند. این هشدار به انسان یادآوری می‌کند که هرگز نمی‌توان مواردی را از گذشته حذف کرد. همه انسان‌ها مسئول هستند تا احتمالات بهتری برای پربار کردن گذشته خود انتخاب کنند (۶). از نظر او هنگام مرگ هر آنچه گذشته است، ناگهان در زمان گذشته از جریان می‌افتد. پس از آن دیگر نمی‌توان هیچ چیز را تغییر داد؛ انسان هیچ ندارد که از آن استفاده کند؛ نه ذهن و نه بدن. او حتی خویشتن خود را نیز از دست داده است. آنچه برایش مانده است، فقط خود معنوی و اعمال و رفتارهای گذشته وی است (۶).

### مرگ و بیداری

ویکتور فرانکل با تشبیه مرگ به خواب بر این نظر است که هر روز که صدای زنگ ساعت بلند می‌شود و انسان را از رؤیاهایش به وحشت می‌اندازد، یک بیداری عجیب و تا حدودی هولناک را شاهد است که ناخواسته وارد جهان رؤیاهایش می‌شود. با این حال همچنان درگیر رؤیاهای خود است اگر بتواند یک لحظه از رؤیاهای رها شود، متوجه می‌شود که زنگ ساعت او را تا سرحد وجود واقعی بیدار کرده است. انسان این موجود فانی هنگام نزدیک شدن به مرگ نیز همین‌گونه رفتار می‌کند. مرگ قرار است او را تا سر حد واقعیت حقیقی زندگی بیدار کند (۶). او در این تشبیه خود به این نکته اشاره می‌کند؛ زمانی که انسان با نوازش‌های یکدست مهربان از خواب بیدار می‌شود، متوجه این کیفیت زیبا و نوازشگر نمی‌شود چون فقط هجوم یک مزاحم به دنیای شیرین رؤیاهای خود را احساس می‌کند. این وضعیت در خصوص مرگ نیز صدق می‌کند. انسان آن را یک وضعیت وحشتناک تلقی می‌کند که قرار است به رؤیاهایش پایان بدهد و به ندرت می‌تواند معنای واقعی آن را درک کند (۶).

## مرگ و ایثار

ویکتور فرانکل مدتی از دوران اسارت خود در اردوگاه کار اجباری را به خدمات داوطلبانه پزشکی جهت مراقبت از بیماران تیفوسی اختصاص داد. او در علت پذیرش این مسئولیت می‌گوید از آن جایی که می‌دانستم با وجود این همه بیگاری به زودی جان خواهم داد، بنابراین بهتر دانستم به بهداری بروم تا دست‌کم مرگم در آن جا معنادار و هدفمند باشد. با خودم فکر کردم من به عنوان یک پزشک اگر در راه کمک به همکارانم و خدمت به بیماران جان بدهم بسیار بهتر است که به زندگی نباتی و بی‌مصرف خود ادامه دهم و سرانجام به‌عنوان یک کارگر بی‌مصرف که هرکسی می‌توانست در نقش او ظاهر شود بمیرد؛ اما اگر در راه حرفه خود جان می‌دادم گره‌ای از کار یک هم‌نوع گشوده و دردی از کسی دوا کرده بودم و دست‌کم برای خودم مرگم معنادارتر به شمار می‌رفت (۴).

بنا بر عقیده فرانکل فداکاری معنایی ژرف و عمیق دارد، شاید دنیای مادی و محافظه‌کار این فداکاری را با دیده تردید و تعجب بنگرد و آن را پوچ و بی‌معنا بداند؛ اما کسانی که دارای ایمان مذهبی هستند، عمق حرف‌های مرا در مورد ایثار و فداکاری بهتر درک می‌کنند. او از تجربه اردوگاهی خود می‌گوید که یکی از دوستانش در ابتدای ورودش به اردوگاه با خدای خود عهد بسته بود که هرگونه درد و رنجی را با جان و دل پذیرا باشد اما بیمارش عاقبت دردناک و وحشتناکی نداشته باشد. ایثار و فداکاری برای این مرد معنای عمیقی داشت. او دلش می‌خواست اگر بمیرد در راه محبوب و معشوقش جان دهد، نه این‌که مرگ بی‌معنا و برای هیچ نصیبش شود. همان‌گونه که هیچ‌یک از ما نمی‌خواهیم برای هیچ و پوچ بمیریم و دل‌مان می‌خواهد مرگی هدفمند داشته باشیم (۴). بنابر نظر فرانکل هرگز نمی‌توان با معنا بودن یک زندگی را از طول زمانی آن نتیجه گرفت. نباید زندگی‌نامه‌ای را بر اساس درازیش و تعداد صفحات آن مورد داوری قرار داد، مبنای قضاوت باید غنی بودن

درونی آن باشد. زندگی قهرمانانه‌ی آن که کسی در جوانی مرده است مسلماً نسبت به بعضی اشخاص نادان با طول عمر زیاد، محتوا و معنای بیشتری دارد (۵).

## سنجش مؤلفه‌های مرگ‌درمانی فرانکل با آموزه‌های اسلام

از آن‌جا که آموزه‌های دین اسلام مشتمل بر برنامه‌ی سعادت انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها بوده و هست، درخصوص مؤلفه‌های مرگ‌درمانی نیز رهنمودهایی ارائه داده است. در ادامه به سنجش دیدگاه‌های فرانکل با آیات قرآن کریم پرداخته می‌شود:

## سنجش مؤلفه مرگ و معناداری

همان‌طور که فرانکل بر این باور است که مرگ باعث بی‌معنایی زندگی نمی‌شود در آموزه‌های اسلام نیز مرگ نه تنها آزاردهنده و نابودکننده معنای زندگی نیست که کانون معنابخش آن است چرا که مرگ یک مفهوم عدمی نیست و خداوند او را مانند زندگی خلق می‌کند: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ» (ملک: ۲). این مفهوم به معنای نابود شدن هم نیست بلکه بازگشت به سوی خداست: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره: ۱۵۶). درواقع انسان از عالمی به عالم دیگر انتقال پیدا می‌کند. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «شما برای بقاء آفریده شده‌اید نه نابودی و با مرگ از خانه‌ای به خانه دیگر منتقل می‌شوید» (۱). از این رو در آموزه‌های اسلام سفارش شده که انسان در دنیا برای آخرت توشه جمع کند چرا که در سرای دیگر به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌شود. براساس این آموزه‌ها دنیا به‌عنوان مقدمه آخرت همچون کشت‌زاری است که انسان در آخرت محصولش را درو می‌کند: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدِ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری: ۲۰). از همین رو پیامبر (ص) می‌فرماید «دنیا کشت‌زار آخرت است» (۷)؛ بنابراین انسان باید از دنیا برای آخرت خویش بهره برد زیرا می‌داند آنچه که اصالت دارد آخرت است که باقی و برقرار است و دنیا فانی است: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (نحل: ۹۶).

به هر حال فلسفه وجودی دنیا، مقدمه بودن برای آخرت است. براین اساس انسان باید بداند که اینجا عمل می‌کند و در آخرت از آن بهره‌مند می‌شود. در این باره امام علی (ع) می‌فرماید: «امروز روز عمل است و حسابی در کار نیست و فردا روز حساب است و زمان عمل نیست» (نهج البلاغه: خطبه ۴۲). یکی از ره‌توشه‌های آخرت، ایمان است. خداوند برای کسانی که ایمان بیاورند بهترین اجر و پاداش را در نظر گرفته‌اند: «وَلَا جُرْ إِخْرَةَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (یوسف: ۵۷). ره‌توشه دیگری که انسان با خود به سرای دیگر می‌برد احسان است. از این رو در قرآن سفارش شده که انسان در دنیا به نیکی کردن بپردازد: «وَأَبْتِغِ فِيهَا بِمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسِنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص: ۷۷)؛ اما ره‌توشه اصلی انسان تقوا است. چراکه خداوند می‌فرماید: برای خود توشه بگیرید که در حقیقت بهترین توشه تقوا و پرهیزکاری است و ای خردمندان از من پروا کنید: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره: ۱۹۷). بنا بر عقیده صاحب تفسیر تسنیم تنها زاد و توشه سودمند تقواست و انسان غیر پرهیزگار، در حقیقت بی‌توشه است. چراکه تقوا زاد راه دنیا و آخرت است و دنیا و آخرت دو جزء از اجزای به هم پیوسته سیر به سوی خداست؛ بنابراین تنها ره‌توشه سالک و مسافر تقواست و برترین مصداق آن تقوای الهی است (۸).

بنابراین باتوجه به مطالب ذکر شده، همان‌طور که فرانکل بر این باور است که با مرگ، تلاش‌های انسان ضایع نمی‌شود. آموزه‌های اسلام نیز نه‌تنها مرگ را ضایع‌کننده تلاش‌ها نمی‌دانند، بلکه آن را عاملی برای رسیدگی به فعالیت‌ها و اعمال انسان در دنیا در نظر گرفته‌اند. این سخن فرانکل در آموزه‌های اسلام هم بیان شده که مرگ و گذرایی زندگی نباید مانع تلاش انسان در دنیا شود. خداوند در آیات متعدد قرآن کریم به انسان گوشزد می‌کند که در دنیا هم برای امور دنیوی و هم برای امور اخروی باید تلاش کند. برای مثال امام صادق (ع) در این زمینه

می‌فرمایند: «در طلب روزی و نیازهای زندگی تنبلی نکنید. چراکه پدران و نیاکان ما به دنبال آن می‌دویدند و آن را طلب می‌کردند» (۹). یا درباره تحصیل امور اخروی در قرآن کریم آمده است: «وَمِنْ أَرْزَادِ الْآخِرَةِ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» (اسراء: ۱۹). به این معنا که سعی و تلاش انسان در سعادت زندگی اخروی او تأثیر دارد و تلاش انسان مؤمن بی‌نتیجه نخواهد ماند. یا آیاتی وجود دارد که به انسان‌ها فرمان می‌دهد در دنیا به دنبال ذخیره آخرت باشید: «وَأَبْتِغِ فِيهَا بِمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ» (قصص: ۷۷)؛ طبری در تفسیر این آیه بر این باور است که از آنچه در دنیا به تو داده شده است در پی تحصیل آخرت باش به این طریق که آن‌ها را در کارهای خیر به کار بری و به وسیله آن‌ها توشه و زادی برای آخرت به دست آوری (۱۰).

افزون بر موارد فوق، خداوند مرگ را وسیله آزمایش انسان‌ها معرفی کرده که کدامیک بهتر عمل می‌کنند: «الَّذِي خَلِقَ الْإِمْوَاتِ وَالْحَيَاتِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲)؛ بنابراین مطابق آموزه‌های اسلام یاد مرگ نه‌تنها نباید انسان را منزوی و بدبین کند بلکه باید او را به سمت انجام بهترین اعمال سوق دهد. خداوند انسان‌ها را به میدان عمل می‌کشد تا آزموده، پاکیزه و لایق قرب خداوند گردند. از این رو دنیا میدان آزمایش الهی برای همه انسان‌هاست، وسیله این آزمایش مرگ و حیات و هدف آن رسیدن به حسن عمل که مفهومش؛ تکامل معرفت، اخلاص نیت و انجام هر کار خیر است (۱۱)؛ بنابراین حسن عمل یکی از اهداف مرگ و هم‌چنین از وظایف انسان در دنیاست. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز درباره جدیت تلاش انسان برای امور اخروی و دنیوی می‌فرماید: «برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده می‌مانی و برای آخرت چنان کار کن که گویی همین فردا خواهی مرد» (۱۲). امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «همانا اوقات تو، اجزای عمر توست پس هیچ‌وقتی از اوقات خود را جز در آنچه موجب رستگاری

تو می‌شود، به پایان مبر» (۱۴-۱۳). یا در حدیث دیگری از امام صادق (ع) نقل شده: «اگر از عمرت فقط دو روز مانده باشد یک روزش را به فراگرفتن دستورات و معارف الهی اختصاص بده تا تو را به روز مرگت یاری دهد» (۱)؛ بنابراین باتوجه به مطالب ذکرشده در تطبیق دیدگاه فرانکل و آموزه‌های اسلام در مفهوم مرگ و معناداری باید بیان داشت که هر دو دیدگاه بر این نظرند که مرگ، معنا را از زندگی کم نمی‌کند بلکه کانون معنا بخش زندگی است و انسان را به سمت تلاش و پویایی سوق می‌دهد. با این تفاوت که در آموزه‌های اسلام بسیار تأکید شده که انسان در دنیا برای سفر آخرت خود ره توشه فراهم نماید.

### سنجش مؤلفه مرگ و مسئولیت‌پذیری

به باور فرانکل انسان هنگام مرگ هر آنچه در تملک داشته یا در این جهان ایجاد کرده در همین سرا باقی می‌گذارد. بنا بر آموزه‌های اسلام نیز انسان هنگام مرگ، چیزی را با خود نمی‌تواند به سرای دیگر ببرد. بلکه آنچه او را همراهی می‌کند، اعمال نیک و بدی است که در دنیا انجام داده است. پیامبر (ص) در روایتی می‌فرمایند: «سه چیز شخص مرده را تا قبر همراهی می‌کند. خانواده‌اش، دارایی‌اش و عملش. دوتای آن‌ها برمی‌گردند و یکی باقی می‌ماند. خانواده و دارایی او برمی‌گردند و عملش با او می‌ماند» (۱۵). یا در روایت دیگری شبیه به همین روایت، از امام صادق (ع) نقل شده: «هنگامی که میت بر قبر گذاشته می‌شود، شخصی در برابرش مجسم می‌شود و به او می‌گوید، ای انسان ما سه چیز بودیم: یکی روزی تو بود که با سرآمدن اجلت به پایان رسید، دیگری خانواده تو بود که تو را به جای گذاشتند و رفتند و من عمل تو هستم که با تو مانده‌ام. بدان که من بی‌اهمیت‌ترین این سه نزد تو بودم» (۱). از این رو با توجه به روایات ذکرشده تنها چیزی که انسان از دنیا با خود به سرای دیگر می‌برد، اعمالی است که از خود به جای گذاشته، نه اموال و فرزندان که در دنیا به آن‌ها تفاخر می‌کرده. خداوند در آیات متعدد قرآن کریم به انسان‌ها

تذکر می‌دهد که اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنند: «لَا تِلْهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹). یا در برخی از آیات به این حقیقت اشاره می‌کند که اموال و فرزندان عذاب را از انسان دور نخواهد کرد: «لَنْ تَغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ» (آل عمران: ۱۰). در روز قیامت نیز اموال و فرزندان برای انسان سودی نخواهند داشت بلکه هرکه با قلب سلیم نزد خداوند آمده از سلامت قلب خود سود می‌برد: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ؛ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء: ۸۹-۸۸).

بنا بر عقیده برخی از تفسیرپژوهان، رابطه مال و فرزندان رابطه‌ای وهمی و خیالی است که تنها در نظام اجتماعی بشر معتبر شمرده می‌شود و خارج از ظرف اجتماع مدنی هیچ اثری ندارد. روز قیامت هم روزی است که اسباب و مؤثرات اعتباری از سببیت و اعتبار می‌افتند. مال در دنیا بهترین وسیله برای رسیدن به مقاصد زندگی و فرزندان بهترین وسیله برای رسیدن به شوکت، نیرو و غلبه بوده‌اند. این‌ها عمده مواردی بودند که آدمی در دنیا به آن‌ها اعتماد می‌کند و دل می‌بندد؛ اما در قیامت هیچ سببی از اسباب اعتباری و قراردادی دنیا سود و اعتباری ندارد. بلکه هرکس با قلب سلیم نزد خدا آید از سلامت قلب سود می‌برد (۱۶). امام علی (ع) در روایتی می‌فرمایند: «مال و ثروت در دست انسان یک عاریه و امانت است» (۱۳). یا در روایت دیگری از امام هادی (ع) نقل شده: «مردم در دنیا با مال و دارایی‌شان شناخته می‌شوند و در آخرت با اعمال و کردارشان» (۱۲)؛ اما آنچه در اسلام به آن توصیه شده انفاق مال و به کاربردن آن در راه خدا و در مسیر سعادت قبل از مرگ است «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدِكُمُ الْمَوْتُ» (منافقون: ۱۰). انسان در آخرین لحظات زندگی و در آستانه مرگ می‌بیند که باید اموال و سرمایه‌ها را بگذارد و برود. پشیمان می‌شود که چرا انفاقی با این اموال انجام نداده که جزء

اعمال صالحش باشد. فرانکل از پوشه‌ها و پرونده‌های ابدی یاد می‌کند که تمام موارد بدون کم و کاست در آن‌ها نوشته می‌شود، یکی از عقاید مسلم اسلامی نیز که در آیات و روایات زیادی بر آن تأکید شده، این است که تمامی اعمال انسان‌ها از نیک و بد ضبط شده و در نامه اعمال آن‌ها نوشته می‌شوند. نویسندگان نامه اعمال دو فرشته‌اند که در طرف راست و چپ هر انسانی حاضرند: «إِذْ يَتْلَقِي الْمَلائِئِةَ عَنِ الِیَمِیْنِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِیدٌ مَا یَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدِیْهِ رَقِیْبٌ عَتِیدٌ» (ق: ۱۹-۱۸). ثبت رفتارهای انسان در نامه اعمال چنان دقیق و جامع است که کوچک‌ترین خطایی در آن وجود ندارد بلکه هر عمل کوچک و بزرگی در آن نوشته می‌شود: «هَذَا الْکِتَابُ لَا یُعَادِرُ صَغِیرَةً وَلَا کَبِیرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا» (کهف: ۴۹). هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند؛ زیرا نامه اعمال دقیقاً نسخه‌برداری از اعمال انجام شده است: «هَذَا کِتَابُنَا یَنْطِقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا کُنَّا نَسِیْنَسِخُ مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه: ۲۹). اگر بندگان عمل صالحی انجام دهند، آن عمل نیکو ثبت شده و پاداش آن را خواهند دید و اگر عمل بد و نیرنگی داشته باشند آن نیز ثبت می‌شود. در روایت آمده است که: «در هنگام مرگ، دو نفر با چهره‌ای بسیار زیبا نزد انسان می‌آیند یکی سمت راست و دیگری سمت چپ می‌نشینند، سلام می‌دهند و می‌گویند: ما کتاب اعمالت را آورده‌ایم آن را بگیر، انسان می‌پرسد چه کتابی؟ آنان می‌گویند: ما همان دو فرشته‌ای بودیم که در دنیا با تو بودیم و تمام کارهای خوب و بد تو را می‌نوشتیم این همان کتاب اعمال تو است. کتاب خوبی‌ها در دست رقیب و کتاب بدی‌ها در دست عتید است، انسان با دیدن خوبی‌ها خوشحال می‌شود و با دیدن بدی‌ها غمگین شده و گریه می‌کند» (۱۲). فرانکل بر این نظر است که باید هوشیار باشد تا اشتباه نکند چراکه امکان تصحیح اعمال وجود ندارد. بنا بر گزاره‌های قرآنی و روایی نیز، هنگامی که انسان در آستانه مرگ قرار می‌گیرد، درخواست مهلت بیشتر و بازگشت به دنیا را دارد تا عمل صالح انجام دهد

درحالی‌که پیش و روی او برزخ قرار دارد و دیگر امکان تصحیح اعمال وجود ندارد. قرآن کریم درباره این گروه از انسان‌ها می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدِهِمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا نَهَا کَلِمَةً هُوَ قَائِلُهَا وَمَنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ یَوْمٍ یُّبْعَثُونَ» (مومنون: ۹۹-۱۰۰)، «فَیَقُولُ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِیبٍ فَأَصْدِیقٍ وَأُكْرَمٍ مِنَ الصَّالِحِیْنَ» (منافقون: ۱۰)، «رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ» (سجده: ۱۲). برخی از تفسیرپژوهان بر این باورند هنگامی که انسان علائم و نشانه‌های مرگ را دید از خداوند درخواست بازگشت به دنیا را دارد و می‌گوید، می‌شود اجل مرا به تأخیر بیندازی؟ تا جبران آنچه فوت شده را انجام دهم، مالم را انفاق کنم و از کسانی باشم که عمل صالحه انجام می‌دهند؛ اما خداوند هرگز اجل مطلق که حتمی است را به تأخیر نمی‌اندازد (۱۸-۱۷). البته مطابق فرهنگ قرآن اگر انسان در طول حیات خود (نه در آستانه مرگ) از گناهان گذشته پشیمان شود و دیگر قصد انجام آن‌ها را نداشته باشد، می‌تواند به درگاه خداوند توبه کند. خداوند نیز کسانی را که توبه واقعی انجام می‌دهند، مورد مغفرت و بخشش قرار می‌دهد.

از این‌رو در آیات متعدد قرآن کریم به انجام توبه سفارش شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ» (تحریم: ۸)، «وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِیعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تَفْلِحُونَ» (نور: ۳۱)، «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِیْنَ یَعْمَلُونَ السُّوءَ جَهَالَةً ثُمَّ یَتَوَبُونَ مِنْ قَرِیبٍ فَأُوْلَئِکَ یَتُوبُ اللَّهُ عَلَیْهِمْ» (نساء: ۱۷). چراکه توبه راستین موجب پاک شدن گناهان گذشته می‌شود. پیامبر (ص) در روایتی می‌فرماید: «کسی که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناهی نکرده» (۱). حتی خداوند در مواردی که انسان توبه کند، ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، بدی‌هایش را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند «مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُوْلَئِکَ یُبَدِّلُ اللَّهُ سَیِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» (فرقان: ۷۰). مغفرت

خداوند به اندازه‌ای گسترده است که به محض پشیمان شدن بنده از گناه خود از او می‌گذرد. با توجه به آیات و روایات ذکرشده انسان در طول حیات خود به شرط آن که توبه راستین داشته باشد می‌تواند اعمال بد و نادرست خود را تغییر دهد و در پی تصحیح آن‌ها برآید.

بنابراین با توجه به مطالب ذکرشده در تطبیق دیدگاه فرانکل و آموزه‌های اسلام باید بیان داشت. پوشه‌ها و پرونده‌های ابدی که فرانکل از آن یاد می‌کند، در آموزه‌های اسلام با عنوان نامه اعمال مطرح شده که همه چیز در آن‌ها ثبت و ضبط می‌شود و هیچ چیز به فراموشی سپرده نمی‌شود. هر عمل کوچک و بزرگی در آن محفوظ خواهد ماند. در این زمینه بین این دو دیدگاه هم‌سویی دیده می‌شود. تفاوت این دو دیدگاه در تصحیح و تغییر اعمال است که بنا بر نظر فرانکل نمی‌توان اعمال گذشته را تغییر داد و امکان تصحیح آن‌ها وجود ندارد اما آموزه‌های اسلام بر تغییر اعمال بد تأکید دارد و از آن به عنوان توبه یاد می‌کند.

### سنجش مؤلفه مرگ و بیداری

بنا بر نظر فرانکل انسان تازه هنگام مرگ بیدار می‌شود و حقیقت زندگی را درک می‌کند. در گزاره‌های اسلام نیز به غفلت انسان در حیات و بیداری او هنگام مرگ توجه شده است. در روایت مشترکی از پیامبر (ص) و امام علی (ع) نقل شده است: «مردم در خوابند و زمانی که بمیرند بیدار می‌شوند» (۱۲). یا در روایت دیگری امام علی (ع) می‌فرماید: «اهل دنیا چون کاروانی هستند که آنان را می‌برند در حالی که در خوابند» (نهج البلاغه: حکمت ۶۴). مطابق آموزه‌های قرآن کریم نیز هنگامی که انسان سكرات مرگ را درک می‌کند دچار وحشت می‌شود: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ» (ق: ۱۹). هنگامی که سكرات مرگ به حق فرامی‌رسد، به انسان گفته می‌شود: این همان چیزی است که از آن می‌گریختی. سكره مرگ حالتی شبیه مستی است که بر اثر فرارسیدن مقدمات

مرگ، به صورت هیجان و انقلاب فوق العاده‌ای به انسان دست می‌دهد، گاه بر عقل او چیره می‌گردد و او را در اضطراب و ناآرامی شدیدی فرومی‌برد (۱۱). در واقع انسان‌ها چون مرگ را به معنای فنا می‌دانند از آن می‌گریزند، اگر آن را دریچه‌ای به عالم بقا تلقی می‌کردند و با انجام اعمال صالح خود را برای آن آماده می‌کردند، ترسی برای آنان نبود. در حالی که انسان عمر خود را با غفلت می‌گذراند و هنگام مرگ دیده‌اش بینا می‌گردد: «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمُ فَبَصَرُكُمُ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق: ۲۲). در مقابل افراد غافل، مرگ برای مؤمنان لذت‌بخش است. همچنان که امام سجاد (ع) در این باره می‌فرماید: «مرگ برای مؤمن مانند بیرون آوردن لباس‌های چرک، باز کردن قیدوبندها و زنجیرهای سنگین، بر تن کردن لباس‌های فاخر، استعمال عطرها و بوهای خوش، سوارشدن بر بهترین مرکب‌ها و وارد شدن به بهترین جایگاه است ولی برای کافر، مانند بیرون آوردن لباس‌های فاخر، بیرون رفتن از خانه خوب، پوشیدن لباس‌های چرکین و زبر و وارد شدن به ترسناک‌ترین خانه‌ها و بزرگ‌ترین عذاب‌ها است» (۱۹). مطابق توصیف قرآن کریم وقتی فرشتگان موکل مرگ برای قبض روح کافران به سمت آنان می‌روند بر صورت و پشت آنان می‌زنند و آن‌ها را به سمت جهنم می‌برند: «فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهُهُمْ وَأُدْبَارَهُمْ» (محمد: ۲۷)؛ اما همین فرشتگان هنگامی که برای قبض روح مؤمنان می‌روند به آنان خوش آمد گفته و به سوی بهشت هدایتشان می‌کنند: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل: ۳۲).

با توجه به مطالب ذکرشده در تطبیق دیدگاه فرانکل و آموزه‌های اسلام در مفهوم مرگ و بیداری باید بیان داشت که هر دو دیدگاه بر این باورند که انسان‌ها تازه هنگام مرگ بیدار می‌شوند، دوران عمر خود را به غفلت می‌گذرانند و رسیدن مرگ را وضعیت وحشتناک تلقی می‌کنند. با این تفاوت که در آموزه‌های اسلام

به این نکته نیز اشاره شده که در مقابل انسان‌های غافل، افراد مؤمنی وجود دارند که نه تنها از روبه‌رو شدن با مرگ بیم ندارند بلکه آن را لذت بخش می‌دانند.

### سنجش مؤلفه مرگ و ایثار

مرگ در راه کمک و خدمت به هم‌نوع که فرانکل از آن یاد می‌کند در آموزه‌های اسلام با عنوان شهادت مطرح شده است. خداوند در قرآن کریم به مقام والای شهدا اشاره کرده و آن‌ها را زندگانی می‌داند که نزد پروردگارشان روزی می‌خورند «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزِقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹). در فرهنگ اسلامی شهادت به‌عنوان یکی از والاترین ارزش‌ها شناخته شده و شهیدان از بلندمرتبه‌ترین انسان‌ها هستند. در وصف مردان خدا گفته شده که آن‌ها کسانی بودند که همواره آرزوی شهادت داشتند و از مرگ طبیعی در بستر بیزار بودند. امام علی (ع) نیز با اشاره به حتمی بودن مرگ می‌فرماید: «همانا مرگ به سرعت در جست‌وجوی شماست، آن‌ها که در نبرد مقاومت دارند و آن‌ها که فرار می‌کنند، هیچ‌کدام را از چنگال مرگ رهایی نیست و همانا گرمی‌ترین مرگ‌ها کشته شدن در راه خداست. سوگند به آن‌کس که جان پسر ابوطالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسان‌تر است از مرگ در بستر استراحت» (نهج البلاغه: خطبه ۱۲۳). به عبارتی می‌توان گفت مردن سرنوشت اجتناب‌ناپذیر هر یک از انسان‌هاست، زندگانی متاعی است که از دست می‌رود، اما عده‌ای با ایثار و فداکاری این متاع را در راه خدا مصرف می‌کنند و به‌نوعی مرگشان را معنادار و هدفمند می‌سازند. خداوند در قرآن کریم از مردمی یاد می‌کند که جان‌شان را در راه خدا می‌فروشند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره: ۲۰۷). آن‌ها به دنبال رضایت و خشنودی خداوند بودند و در این راه از جان خود گذشتند. در واقع معنا و هدف مرگشان رضایت خداوند است. امام حسین (ع) نیز از

نخستین ایثارگران بود که در صحنه عاشورا چنین گفت: «مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است» (۱۲).

بنا بر نظر فرانکل عمر طولانی نشانه ارزشمند بودن آن زندگی نیست بلکه غنی بودن دوران عمر دلیل بر ارزشمندی آن است. در آموزه‌های اسلام، عمر طولانی یکی از نعمت‌های ارزشمند الهی است به طوری که اهل بیت (ع) از خداوند درخواست طول عمر با عزت داشتند. امام سجاد (ع) در روایتی می‌فرماید: «خداوند مرا از کسانی قرار ده که عمرشان را دراز و کردارشان را نیکو گردانیده‌ای...» (۱۲). یا در روایات متعدد از سوی پیامبر (ص) و ائمه (ع) راهکارهای افزایش طول عمر معرفی شده برای مثال نقل شده است که امام صادق (ع) در حدیثی فرمودند: «هرکس به شایستگی در حق خانواده‌اش نیکی کند، خداوند عمر او را زیاد می‌کند» (۱). یا در روایت دیگر پیامبر (ص) غضب خداوند را باعث کاهش عمر می‌داند: «هرگاه خداوند متعال بر مردمی خشم بگیرد و بر ایشان عذاب نفرستد، اجناس آن‌ها گران و عمرشان کوتاه می‌شود. بازگازان آن‌ها سود نمی‌برند، میوه‌هایشان سالم نمی‌ماند، رودخانه‌های آنان پر آب نمی‌گردد، باران از آن‌ها دریغ می‌شود و بدان آنان بر ایشان مسلط می‌گردند» (۲۰)؛ اما باتوجه به این گزاره‌های دینی صرف طولانی بودن عمر بیانگر ارزشمند بودن آن نیست. عمری که در راه طاعت پروردگار و تقرب به سوی او سپری شود ارزشمند و عمری که به نافرمانی خداوند و انجام کارهای لغو گذرد، اتلاف وقتی بیش نیست. همچنان که امام سجاد (ع) در دعایی می‌فرماید: «خدایا مرا تا وقتی زنده بدار که عمرم در طاعت توبه‌کار می‌رود و اگر قرار است عمر من چراگاه شیطان شود، جانم را بستان قبل از آن که مورد خشم و غضب تو باشم» (صحیفه سجادیه: دعا ۲۰). یا امام علی (ع) می‌فرماید: «برکت عمر به خوب انجام دادن کارهاست» (۱۳). در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد مبنی بر این که گروهی از انسان‌ها عمر طولانی خود را در دنیا صرف کارهای ناشایست و

## نتیجه‌گیری

با بررسی‌هایی که در نظرات فرانکل، آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) در مفهوم مرگ درمانی انجام شد، نتایج ذیل حاصل شد:

۱. ویکتور فرانکل در اردوگاه‌های کار اجباری به جهت معنا دادن به زندگی به‌سوی مفاهیمی چون مرگ درمانی، رنج درمانی، اختیار درمانی و کاردرمانی گرایش یافت.

۲. ویکتور فرانکل در مرگ درمانی، قائل به معناداری مرگ است و در این زمینه مؤلفه‌هایی چون؛ مرگ و معناداری، مرگ و مسئولیت‌پذیری، مرگ و بیداری و مرگ و ایثار را مطرح کرده است.

۳. در مؤلفه مرگ و معناداری بین آموزه‌های اسلام و نظرات فرانکل هم‌سویی دیده می‌شود؛ هر دو دیدگاه مرگ را به معنای فناپذیری نمی‌دانند بلکه آن را کانون معنا بخش زندگی تلقی می‌کنند با این تفاوت که در آموزه‌های اسلام به مسئولیت‌پذیری و آماده شدن انسان برای سفر آخرت در دنیا بسیار تأکید شده است.

۴. فرانکل در مؤلفه مرگ و مسئولیت‌پذیری از پوشه‌ها و پرونده‌های ابدی یاد می‌کند که اعمال انسان در آن ثبت و ضبط می‌شوند. آموزه‌های اسلام از این پدیده با عنوان نامه اعمال نام می‌برد از این رو بین نظرات آن‌ها در این مؤلفه هم‌سویی دیده می‌شود. تفاوت این دو دیدگاه در تصحیح و تغییر اعمال است که بنا بر نظر فرانکل امکان تصحیح اعمال وجود ندارد اما در آموزه‌های اسلام به مفهوم توبه و تصحیح اعمال توجه شده است.

۵. بنا بر عقیده فرانکل برخی از انسان‌ها تازه هنگام مرگ بیدار می‌شوند، آن را وضعیت وحشتناک تلقی و کمتر معنای اصلی آن را درک می‌کنند. آموزه‌های اسلام نیز این مفهوم را تأیید می‌کنند با این تفاوت که گزاره‌های اسلام در مقابل این گروه، از افراد مؤمنی هم یاد می‌کند که مرگ را لذت‌بخش می‌دانند که در نظرات فرانکل به این گروه اشاره نشده است.

بیهوده کرده از این رو در آخرت مستحق عذاب شدند. برای مثال خداوند در سوره فاطر از کافرانی یاد می‌کند که در دوزخ ناله می‌زنند ما را از این جا بیرون بیا تا کار شایسته انجام بدهیم، خداوند در پاسخ به آن‌ها می‌گوید مگر به شما عمر طولانی داده نشد؟ باید عبرت می‌گرفتید: «وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءِكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ» (فاطر: ۳۷). یا در آیه‌ای دیگر از یهودیانی صحبت می‌کند که آرزو دارند هزار سال عمر کنند با آن که اگر چنین عمری هم به آنان داده شود آن‌ها از عذاب دور نخواهند شد: «وَلَيَجِدُنَّهُمْ إِحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمَزَّجٍ حِجْهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۹۶). این‌ها عمر طولانی خود را صرف ظلم به دیگران و کفر به خداوند کرده‌اند؛ بنابراین داشتن عمر طولانی مهم نیست، قرب به خداوند و برکت عمر ارزش دارد. در مقابل این گروه خداوند از مؤمنانی یاد می‌کند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند، برخی از آن‌ها به شهادت رسیدند و برخی در انتظار این امرند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب: ۲۳).

بنابراین باتوجه به مطالب بیان‌شده آموزه‌های اسلام نیز عمر کم با برکت را بر عمر طولانی بیهوده ترجیح می‌دهد. در تطبیق دیدگاه فرانکل و آموزه‌های اسلام در مفهوم مرگ و ایثار باید بیان داشت که هر دو دیدگاه مرگ در راه کمک و خدمت به هم‌نوع را هدفمند و ارزشمند دانسته و آن را بسیار برتر از مرگ در بستر تلقی کرده‌اند. آموزه‌های اسلام از این مرگ مقدس با عنوان شهادت یاد کرده و به پاداش اخروی آن نیز توجه داشته است. افزون بر این هر دو دیدگاه عمر کم مفید را بر عمر طولانی که صرف کارهای ناشایست شود ترجیح داده‌اند. از این رو بین نظرات آن‌ها هم‌سویی دیده می‌شود.

## Reference

1. The Holy Quran, translated by: Mohammad Mehdi Foadvand.
2. Nahj al-Balagha
3. Sahifa Sajjadiyeh
4. Kulani M. Al-Kafi. Researcher: Ali Akbar Ghaffari, fourth edition, Tehran: Dar Al-Kutb Al-Islamiyah: 1407AH.
5. Frankl V. Meaning Therapy (Basics and Applications of Meaning Therapy). Twelfth edition, Translator: Mahin Milani, Tehran: Liosa: 1401 AH.
6. Frankl V. Meaning Therapy. Bicha, Translator: Fatemeh Shoaibi, Bija: 2013.
7. Frankl, V. Man's Search for Meaning. First edition, translated by Kamyar Zarei, Tehran: Fanous Sepehr: 1402AH.
8. Frankl V. The Physician and the Soul. Seventh edition, translated by Farrokh Seif Behzad, Tehran: Liosa: 1401 AH.
9. Frankl V. The Unheard Cry for Meaning. First edition, translated by Foruzandeh Dolatyari, Tehran: Nik Farjam: 2019.
10. Ibn Abi Jumhor M. Awali Al-Leali Al-Azizia. Researcher and proofreader: Mojtaba Iraqi, Bicha, Qom: Dar al-Seyd al-Shohda: Bita.
11. Javadi Amoli A. Tafsir Tasnim. First edition, Qom: Israa: 1378AH.
12. Haramili M. Details of the means of Shia until the acquisition of Sharia matters. First edition, Qom: Al-Bayt: 1104AH.
13. Tabarsi V. Tafsir al-Jawam al-Jama'. First edition, Qom: Qom Seminary, Management Center: 1412AH.
14. Makarem Shirazi et al, N. Tafsir al-Numneh. 10th edition, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyah: 1992.
15. Majlisi M. Bihar al-Anwar al-Jamaa leder Akhbar al-Imam al-Athar. Bicha, Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi: 1403 AH.
16. Tamimi Amidi, A. Gharr al-Hikam and Durr al-Kalam. Second edition, Qom: Dar al-Kutb al-Islamiyyah: 1410 AH.
17. Laithi Vasti A. Ayun Al-Hakm and Al-Mawaz. First edition, Qom: Dar al-Hadith: 1376.
18. Muttaqi A. Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afaal. Bichha, Beirut: Dar al-Kutb al-Ilmiyah: 1419 AH.
19. Tabatabaei M. Al-Mizan in the Interpretation of the Qur'an. First edition, Beirut: Al-Alamy Institute for Printing: 1390.

۶. در مؤلفه مرگ و ایثار بین نظرات فرانکل و آموزه‌های اسلام تشابه وجود دارد. هر دو دیدگاه مرگ در راه کمک و خدمت به هم‌نوع را هدفمند و ارزشمند دانسته و آن را بسیار برتر از مرگ در بستر تلقی کرده‌اند. آموزه‌های اسلام از این مرگ مقدس با عنوان شهادت یادکرده و به پاداش اخروی آن نیز توجه داشته‌اند.

20. Tabarsi F. *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Third edition, Tehran: Nasser Khosrow: 1372.
21. Tabari M. *Jame' al-Bayan fi tafsir al-Quran*. First edition, Beirut: Dar al-Ma'rifah: 1412 AH.
22. Ibn Babawayh M. *Ma'ani al-Akhbar*. Researcher and editor: Ali Akbar Ghaffari, Bicha, Qom: Islamic Publications: Bita.
23. Ibn Babawayh M. I am not present at the presence of the jurist. Researcher and editor: Ali Akbar Ghaffari, second edition, Qom: Islamic Publications: 1413 AH.

## Therapeutic death from the perspective of Viktor Frankl and its comparison with the teachings of Islam.

### Abstract

Masoumeh navazi<sup>1\*</sup>, Mohammadali heidari mazraeh akhond<sup>2</sup>, Bemanali dehghan mongabadi<sup>3</sup>

#### Abstract

**Background and Objective:** One way to overcome the fear of death is death therapy. Frankl mentions death as one of the components of death therapy in his method of semantic therapy. Death therapy means accepting a philosophy for death and trying to make appropriate use of life's opportunities and conditions. This method has been very inspiring and has changed people's attitudes towards death and reduced their anxiety about this phenomenon. This research aims to adapt Frankl's components of death therapy to the teachings of Islam.

**Methodology:** The present research is a descriptive-analytical method and a comparative approach. The verses of the Holy Quran, the narrations of the Ahlul Bayt (AS), interpretive sources, and Viktor Frankl's book are the sources used in this research.

**Findings:** By examining death therapy from Frankl's perspective and comparing it with Islamic teachings, it was found that Frankl has proposed components such as death and meaning, death and responsibility, death and awakening, and death and sacrifice in this concept.

**Conclusion:** There is an alignment between Frankl's death therapy components and Islamic teachings, with the difference that Islamic teachings in the component of death and meaning emphasize preparing humans for the journey to the afterlife, but there is no mention of it in Frankl's views. In the component of death and responsibility, Islamic teachings also refer to correcting actions and repentance, but according to Frankl's views, correcting actions is not possible, and in the component of death and awakening, Frankl mentions heedless people who are afraid of death, but Islamic teachings also mention believers who find death enjoyable..

**Keywords:** Death Therapy, Hadiths of Ahlul Bayt (AS), Holy Quran, Meaning Therapy, Viktor Frankl.

1\*. Corresponding author: phd student Comparative interpretation, Yazd, Iran. mnavazi@stu.yazd.ac.ir.

2 / Associate Professor, the Department of Quran and Hadith, Yazd University, yazd.Iran. heydari@yazd.ac.ir.

3. / Associate Professor, the Department of Quran and Hadith/yazd University, yazd.Iran.badehghan@yazd.ac.ir.